

( من دوباره چون پرستو میکشم به آسمان پر  
میروم به خانه ی خود میرم به دشت دیگر  
چادرم میانه صحرا سایبان آسمان است  
نور محفل شب ما ماه و پاره های اختر  
روی این اتاق خورشید جوششی از عشق ایل است  
میروم به دشت و صحرا پا به پای این گل زرد  
با قدوم کوچ ایل است یک بهار میکند گل  
در دل منو در و دشت ده پرنده میزند پر  
رسم کوچه ها همیشه میکند به پا قیامت  
ننگ گله های ایل است گوشه آسمان کند گشت  
ایل و کوچ و شور و گرگش جویباره تازگی ها  
جام گرم زندگی را باز دوباره می کشد دشت ) (۲)